



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: تورم و کاهش ارزش پول، مسأله‌ای جدید یا قدیمی - ادامه بررسی تفاوت تورم در گذشته و امروز - مصادف با: ۹ ربیع الثانی ۱۴۴۵

اهمیت موضوع شناسی

جلسه: ۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث از جدید بودن یا قدیمی بودن مسأله مورد بحث کمی به درازا کشید؛ امروز ان شاء الله این بحث را تمام کنیم و وارد بحث جدید شویم. محصل مطالبی که تا اینجا عرض کردیم، این شد که تورم یا کاهش ارزش پول، مسأله‌ای است که در گذشته نیز وجود داشته، هر چند امروز با آن زمان تفاوت بسیاری کرده است؛ مثل سایر مقولات که از بساطت به پیچیدگی بیشتر رسیده است. به برخی از این تفاوت‌ها اشاره کردیم؛ عمده مسأله که در جلسه گذشته بیان شد، این بود که تورم در گذشته شاید آنچنان پایدار نبوده و استمرار نداشته است؛ چون مهم‌ترین عامل پایداری تورم، عامل پولی است و افزایش حجم پول یکی از دلایل اصلی تورم شمرده می‌شود. روشن است که افزایش حجم پول در این دوره با افزایش حجم پول در گذشته قابل مقایسه نیست. سیاست‌های پولی در دوره حاضر خیلی وسیع‌تر و مؤثرتر عمل می‌کند؛ در گذشته شاید این مقدار سیاست پولی اصلاً معنا نداشت و اگر هم گاهی شرایط اقتضا می‌کرد، تأثیرش به این حد نبود. اختیاری که امروزه دولت‌ها در امر پول دارند و آزادی عملی که برای خودشان حس می‌کنند، هیچ‌گاه در گذشته نبود.

ادامه بررسی تفاوت تورم در گذشته و امروز

اما اگر بخواهیم تورم در گذشته و در زمان حاضر را از منظر عللی که موجب تورم کوتاه‌مدت می‌شود بررسی کنیم، گفتیم چهار سبب قابل ذکر است:

۱. یکی سبب طبیعی و عارضی است. طبیعی که می‌گوییم یعنی حوادث طبیعی یا نزاع‌ها و جنگ‌هایی که پیش می‌آید. اینها نسبت به عوامل اقتصادی، عارضی محسوب می‌شوند؛ عارضی از این جهت است که عارض بر اقتصاد هستند. زلزله، سیل، قحطی، خشکسالی، جنگ، اینها از اسباب تورم است. این اسباب در گذشته بوده، امروز هم وجود دارد؛ هر یک از این حوادث بسته به زمان وقوع آن و آثاری که از خودش برجای می‌گذارد، عامل تورم‌اند. این عوامل در گذشته غلبه داشته؛ چون خیلی ارتباطات گسترده نبود، البته جنگ‌ها همیشه بوده، حالا گاهی جنگ‌های طولانی مدت که ده‌ها سال طول می‌کشید؛ همیشه این لشکرکشی‌ها و فتوحات بوده، طبیعتاً اینها اثر داشت و باعث تورم می‌شد. امروزه جنگ‌ها هست، خشکسالی هست، زلزله هست، هر چند قحطی به آن معنا شاید خیلی وجود نداشته باشد، اما بیماری‌هایی مثل طاعون، وبا، گاهی یک باره مدت قابل توجهی یک منطقه و مردم یک کشور را درگیر می‌کرد و این قهراً اثر می‌گذاشت. ممکن است شما بگویید اینها آثارش روی بعضی کالاها بود؛ بله، این قابل انکار نیست ولی اینکه در اغلب کالاها این تأثیر وجود داشت، چیزی است که نمی‌شود آن را نادیده گرفت. پس سبب‌های خارج از مسائل اقتصادی، از جمله مواردی که نام بردم، اینها هم در گذشته بوده و هم در حال، و

با تفاوت‌هایی که در نوع این اسباب پدید آمده، طبیعتاً در موضوع تورم هم اثر خودش را گذاشته است.

۲. عامل دیگر که ذاتی محسوب می‌شود در مقابل عارضی به خود اقتصاد مربوط می‌شود؛ این خودش سه دسته است. یک دسته از اسباب، اسباب اقتصادی است؛ یعنی مثلاً گفته می‌شود اگر تقاضای کل زیاد شود و کمتر از عرضه کل باشد، این موجب تورم است. حالا این تقاضای کل نسبت به عرضه کل یک وقت در یک کالای خاص است و یک وقت در تمام کالاها و چیزهایی که مردم به آن نیاز دارند. این یک نوعی از تورم را ایجاد می‌کند؛ تورمی که ناشی از افزایش تقاضای کل و کاهش عرضه کل است. پس این سبب می‌تواند باعث تورم شود.

این به عنوان یک اصل و یک قانون از گذشته هم بوده است؛ طبیعتاً در گذشته وقتی یک کالایی مورد نیاز بود و کم می‌شد، قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کرد. حالا اینکه تقاضای کل در گذشته افزون بر عرضه کل بوده یا نه، این باید بررسی شود؛ چون اگر در یک کالای خاص یا بعضی کالاها باشد، این موجب گرانی می‌شود ولی تورم نیست. علل اقتصادی یکی از اسباب تورم است، این علل در گذشته هم بوده و الان هم وجود دارد، لکن بین تقاضای کل و عرضه کل در این زمان، با آنچه که در گذشته بوده، فرق‌هایی وجود دارد. گاهی تورم ناشی از افزایش هزینه‌هاست؛ هزینه‌های تمام شده امروز خیلی عوامل در آن دخیل است. الان یک کالایی که می‌خواهد تولید شود، غیر از هزینه مواد اولیه و کارگر، هزینه‌های جانبی هم دارد؛ مثل عوارضی که دولت‌ها می‌گیرند، عوارضی که به عنوان کمک به آموزش و پرورش می‌گیرند، عوارضی که برای محیط زیست می‌گیرند؛ این عوارض خودش انواع و اقسام دارد؛ هزینه سوخت و انرژی، حمل و نقل؛ این هزینه‌ها شاید در گذشته وجود نداشته و ما هزینه‌ای به نام سوخت برای حمل و نقل نداشتیم، اما امروزه هزینه سوخت هست، خود حمل و نقل، انواعی که پدید آمده، اینها همه در هزینه تمام شده یک کالا تأثیر می‌گذارد و این خودش می‌تواند منشأ تورم شود. شما ببینید اگر هزینه‌های تولید یک کالا افزایش پیدا کند، طبیعتاً برای سودآوری باید مقدار تولید بیشتر شود که بتواند سود ببرد؛ بالاخره این وقتی ببینند هزینه‌اش بالاست و توان ندارد، باید تولیدش را کم کند؛ تولید که کم شود، یعنی عرضه کاهش پیدا می‌کند؛ اگر تقاضایی که نسبت به کالاها وجود دارد از این عرضه پیشی بگیرد، تورم را به دنبال خواهد داشت. حالا از آن طرف اگر تولید را در همان حد گذشته حفظ کنند، این سودآوری ندارد و انگیزه تولید را پایین می‌آورد؛ اگر از این طرف بخواهند قیمت‌ها را افزایش بدهند، این خودش موجب تورم خواهد شد. اینها بحث‌هایی است که در محیط خودش باید تجزیه و تحلیل شود.

به هر حال برخی از اسباب تورم برمی‌گردد به خود مکانیزم اقتصاد و سازوکارهایی که برای آن پیش‌بینی کرده‌اند، این می‌تواند منشأ تورم باشد. حالا این در گذشته چندان به امور مختلف وابسته نبود؛ شما ببینید الان یک جمله یک شخصی در یک گوشه جهان ممکن است بگوید، دیگری هم پاسخ او را بدهد، این یک دفعه در سراسر دنیا روی بورس و بسیاری از مسائل تأثیر می‌گذارد؛ اینها در گذشته نبود. این عامل دیگری است که بعداً اشاره خواهیم کرد.

۳. یکی دیگر از اسباب تورم، به زیرساخت‌های یک کشور مربوط می‌شود. زیرساخت‌ها که می‌گوییم، از بنادر و اسکله‌های ورود کالا یا خروج کالا گرفته تا جاده‌ها و راه‌آهن و اسباب حمل و نقل هوایی؛ تمام اموری که به نوعی تسهیل می‌کند مبادلات اقتصادی را و عرضه کالاها را، صادرات کالا، حتی ارتباطات مخابراتی، اینترنت و وسایلی که امروزه در اختیار هست، اینها اگر فراهم نباشد طبیعتاً در امر تورم اثر می‌گذارد.

این مسأله در گذشته بدین نحو نبود؛ همان موقع هم البته بعضی از پادشاهان و امپراطوران توجه بیشتری داشتند، شاید تورم کمتری داشتند، برنامه‌ریزی داشتند، زیرساخت‌ها را بیشتر رسیدگی می‌کردند، یا قوانین و مقررات، اینها در این مسأله خیلی تأثیر دارد.

۴. سرانجام یک بخشی از اسباب و علل تورم، روانی است؛ یعنی از نظر روانی گاهی بعضی از امور موجب تورم می‌شود، مخصوصاً در این دوران که رسانه‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. یک خبری که یک خبرگزاری بین‌المللی منتشر می‌کند، این یک باره تأثیراتی در این مسأله می‌گذارد و می‌تواند به صورت کوتاه‌مدت موجب تورم شود؛ یک باره قیمت همه چیز بالا می‌رود؛ آن وقت مقایسه که می‌کنند درصد این تورم معلوم می‌شود. مثلاً فرض کنید اگر در ذهن مردم این حس پیدا شود که قیمت‌ها می‌خواهد افزایش پیدا کند و تورم می‌خواهد از راه برسد، این احساس و این آشفته‌گی ذهنی و نگرانی نسبت به آینده، موجی از تقاضا را ایجاد می‌کند؛ تقاضا که افزایش پیدا کند و عرضه نسبت به آن مقدار کمتر باشد، این باعث تورم می‌شود. یا مثلاً سایه جنگ یا احتمال جنگ در یک کشور می‌تواند به عنوان یک عامل روانی تأثیرگذار باشد. حتماً این علت روانی امروزه بسیار قوی‌تر عمل می‌کند تا گذشته؛ چون در گذشته یک اتفاقی که این سوی دنیا می‌افتاد تا خبرش به آن سوی دنیا برسد، گاهی ماه‌ها زمان می‌برد؛ ولی الان در کسری از ثانیه همه اتفاقات به سراسر دنیا مخابره می‌شود و این یک عامل بسیار مهمی است از نظر معنوی و روانی در بالا و پایین بردن نرخ تورم.

پس تورم به لحاظ موضوع، به لحاظ اسباب، چه در نوع کوتاه و غیر پایدار و چه در نوع پایدار و بلندمدت، با گذشته تفاوت‌هایی کرده است؛ موضوعش پیچیده‌تر شده، علل تأثیرگذار بیشتر شده و خود این اسباب و علل تنوع و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده، اما با این همه اصل و ریشه‌اش در گذشته وجود داشته؛ بله، سیاست‌های پولی یا افزایش حجم پول در گردش به این نحو، حتماً قبلاً نبوده، چون هیچ وقت اینطور نبوده که دستگاه چاپ اسکناس یا اختیار چاپ اسکناس داشته باشند و به راحتی و بدون هیچ پشتوانه‌ای پول چاپ کنند و به بازار بریزند، یعنی خلق پول نمایند، افزایش حجم پول در گردش، اینها در گذشته به این شکل نبود، اما بالاخره سیاست پولی هم بوده است؛ کارها و تصمیماتی که به نوعی موجب کاهش ارزش پول شود، در گذشته بوده است.

نتیجه

لذا من معتقدم مسأله تورم مثل بعضی از مفاهیم که برای آن ذکر کردم، یک مسأله جدید به تمامه و حادث نیست؛ مسأله‌ای است که از قدیم بوده و البته با تفاوت‌های فاحشی که بین آن در گذشته و امروزه وجود دارد، برخلاف بعضی از دوستان که معتقدند تورم یک اصطلاح جدید است؛ بله، این اصطلاح از اواخر قرن نوزدهم پیدا شد و ما هم این را قبول داریم؛ این به مفهوم جدید قبلاً نبود؛ مثل حقوق شهروندی؛ اما این بدین معنا نیست که اساساً در گذشته نبوده باشد. ممکن است بگوییم بیمه یک مفهوم جدید است و قبلاً چیزی بنام بیمه نداشتیم، یا مثلاً بیع ازمانی، فروختن زمان استفاده از یک ملک؛ این الان یک مقوله جدیدی است و این قبلاً این نبود که مثلاً بگویند ما این خانه و این آپارتمان را برای دو هفته در سال به شما می‌فروشیم؛ این قبلاً نبوده، ولی اینکه بگوییم تورم یک مسأله کاملاً جدید است، این قابل قبول نیست.

سؤال:

استاد: اجاره نیست، اتفاقاً اصطلاح تایم شرینگ، یعنی خرید زمان؛ الان خیلی رسم شده است. مثلاً یک مجتمع مسکونی مخصوصاً در مناطق تفریحی می‌سازند، یک آپارتمانی است که مترها و امکانات مشخصی دارد، اینجا خود آپارتمان را نمی‌فروشند، می‌گویند این آپارتمان یک ماه در سال به شما فروخته شد، در تاریخ‌های معین؛ تا آخر عمر این استفاده در این تاریخ برای شماست و هیچ کسی حق ندارد اینجا بیاید؛ اینجا زمان سکونت را می‌فروشد نه اینکه در سال یک ماه اجاره کند؛ اصلاً خرید و فروش است.

اهمیت موضوع شناسی

تا اینجا در این چند جلسه ما از اهمیت و همچنین مستحدث بودن یا نبودن این مسأله سخن گفتیم و البته بعضی نکات دیگر، عمده این دو جهت بود. قبل از آنکه به بحث فقهی این موضوع بپردازیم، باید موضوع شناسی کنیم؛ ما وقتی می‌گوییم ارزش پول کاهش پیدا می‌کند و آیا این کاهش ضمان آور است یا نه، در درجه اول باید پول را بشناسیم؛ اصلاً پول چیست؟ ماهیت پول را بررسی کنیم. سال گذشته در بحث رمزارزها راجع به مراحل تطور و تکامل پول مطالبی را عرض کردیم. الان باید معلوم شود که حقیقت این پول چیست تا وقتی سخن از کاهش ارزش آن به میان می‌آوریم، معلوم شود که چه اتفاقی می‌افتد؟ پول چیست که سخن از کم شدن ارزش آن به میان می‌آید؟ اینجا نظریات مختلفی درباره حقیقت و ماهیت پول ارائه شده است که قطعاً در بحث ما تأثیر دارد؛ یعنی مبنایی که ما در مورد ماهیت پول اتخاذ می‌کنیم، در نتیجه‌گیری ما بسیار تعیین کننده است. اینکه اگر حکم به ضمان کنیم، آیا این ربا است و مصداقی از ربا محسوب می‌شود یا نه، بستگی تام به این دارد که ماهیت پول چه باشد. بنابراین یک بحث مهم موضوع شناسی این مسأله، راجع به پول، ماهیت پول و انظار مختلفی است که درباره پول ارائه شده و اینکه نهایتاً حق در مسأله کدام است؛ این موضوع شناسی است و بحث فقهی نیست، این موضوع شناسی فقهی بسیار مهم است. الان شما بسیاری از فتاوا را ملاحظه بفرمایید، فتاوی علمای شیعه و اهل سنت را مقایسه کنید؛ آنهایی که حکم به عدم ضمان و عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول کرده‌اند، مبنای‌شان در باب پول چیست؛ اصلاً این اسکناس را چه می‌دانند، مخصوصاً پول امروزی. آنهایی که قائل به ضمان و لزوم جبران شده‌اند، آنها پول را چه می‌دانند؟ گاهی ممکن است کسی قائل به لزوم جبران شود، اما مبنایی که در باب پول اتخاذ کرده، واقعاً اگر ملاحظه شود، این عین ربا می‌شود؛ مثلاً پارسال صد هزار تومان قرار داده و امسال می‌خواهد ۱۲۰ هزار تومان بگیرد؛ اگر ما قائل به ضمان شویم و مثلاً بگوییم تورم ۲۰ درصدی داریم، ارزش پول او کم شده است؛ کسی که قائل به لزوم جبران است، یعنی اگر صد هزار تومان امسال کسی به دیگری قرض داد، سال دیگر باید ۱۲۰ هزار تومان پس بدهد. این بیست هزار تومان از دید خیلی‌ها ربا محسوب می‌شود. لذا خیلی مهم است که ما ببینیم ماهیت پول چیست. اینکه من عرض می‌کنم باید راجع به ماهیت پول بحث شود، این هم در عرصه نظری و هم در عرصه عملی تأثیرگذار است؛ الان یک مسأله مهمی که ما با آن مواجه هستیم، مشکلاتی است که قانون‌گذاران در کشور دارند، چه قانون‌گذاران در مسائل کلان اقتصادی و چه در مسائل بانکی، سیاست‌گذاری‌های بانکی به شدت وابسته به این مسأله است؛ مثلاً یکی از مشکلات، کمبود منابع است؛ برخی علمای اقتصاد اسلامی می‌گویند ما برای جبران منابع مالی دولت و برای اداره امور یا سیستم بانکی برای کمک به اقتصاد کشور، برویم به سراغ ابزارهای غیر ربوی، مثل اوراق مشارکت؛ می‌گویند از طریق عرضه اوراق مشارکت، کمبود منابع را جبران کنیم. اینکه این ربوی هست یا نه، آیا نیازی به عرضه اوراق مشارکت

هست یا نه، آیا می‌توانیم راه دیگری طی کنیم، این تابع آن است که ما پول را به دقت بشناسیم؛ اگر ماهیت پول به درستی تبیین شود، در بسیاری از مسائل، چه مسائل نظری و چه مسائل عملی و عینی به ما کمک می‌کند؛ در وضع قوانین و در حل چالش‌های اقتصادی کشور، و واقعاً می‌تواند راهگشا باشد. اینها همه تابع این است که ما ببینیم حقیقت پول چیست. بنابراین این بحث خیلی مهم است.

موضوع دیگر، تورم است؛ ما یک اشاراتی کردیم که آیا تورم در گذشته بوده یا نه. اما حقیقتاً تورم چیست و چه انواعی دارد؟ آن تورمی که ما می‌خواهیم بسنجیم که آیا ضمان‌آور است یا نه، منظور چیست؟ آیا همه انواع تورم است یا بعضی از آنها؟ اینها بحث‌ها کمی طول می‌کشد ولی بسیار مهم است. حالا وارد بحث ربا نمی‌شویم؛ چون بحث ربا خودش یک موضوع جداگانه‌ای است که در مکاسب تاحدودی شاید آقایان با آن آشنا باشند و اگر هم آشنا نباشند، می‌توانند با مراجعه اینها را مطالعه کنند. عمده این دو مسأله است. من یک سری منابع معرفی می‌کنم برای مراجعه و مطالعه بیشتر که با ماهیت پول و انظار و آرائی که در این مسأله وجود دارد، ان‌شاءالله آشنا شوید و بتوانیم سریع‌تر از این بحث‌ها عبور کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»